

## اسرائیل و منطقه مغرب عربی روند عادی‌سازی و آینده آن

صبوری انوشه \*

### چکیده

از آغاز تأسیس رژیم صیہونیستی در فلسطین اشغالی، رهبران این رژیم در اندیشه توسعه نفوذ خود در منطقه مغرب عربی بوده و حضور اقلیت یهودی در برخی از کشورهای این منطقه از جمله تونس و مراکش، یکی از ابزارهای اجرایی این سیاست بوده است. عوامل و انگیزه‌های متفاوت در بسترسازی روند عادی‌سازی روابط میان رژیم صیہونیستی و کشورهای این منطقه دخالت مستقیم و غیرمستقیم دارند. در این مقاله، سعی بر آن است تا گوشه‌ای از حضور یهودیان به عنوان یک اقلیت در کشورهای منطقه و روند عادی‌سازی میان موریتانی و صیہونیست‌ها به عنوان مطالعه موردی، تشریح گردد. جنبش صیہونیست‌های منطقه شمال، نقش مهمی در گسترش این جنبش و تأسیس دولت صیہونیستی داشته است.

## مقدمه

در شرایطی که کشور لیبی در پی عادی‌سازی روابطش با غرب است، در روزهای سی و یکم می‌و اول ژوئن ۲۰۰۷، در لندن از سوی یهودیان لیبی همایش آکادمی درباره تاریخ یهودیان لیبی، برگزار شد.

در این همایش که شخصیت‌های سیاسی و آکادمی‌اروپایی و آفریقایی هم چون نخست وزیر ایتالیا و تام لانتوس<sup>(۱)</sup> سناتور دموکرات آفریقا، شرکت داشت یهودیان لیبی از دولت لیبی خواستند تا زبان‌ها و ضایعاتی که یهودیان این کشور در جریان مهاجرت دسته جمعی آن‌ها به فلسطین اشغالی متحمل شده‌اند، را جبران کند.<sup>(۲)</sup>

در کازابلانکا سیمون لیفی، مدیر موزه یهودیان مغرب در این شهر، از دولت مراکش خواست تا اهمیت نقش یهودیان در تاریخ این کشور در کتاب‌های درسی مراکش تدوین شود. در پاریس مینی گابریل، رئیس اتحادیه از حقوق‌حریکون<sup>(۳)</sup> از سارکوزی، رئیس جمهوری فرانسه، خواست فشارهای زیادی به حکومت الجزایر وارد کند تا زبان‌هایی که اعضای این اتحادیه متحمل شده‌اند را جبران کند.

در نوآکشوت پس از انتخابات ریاست جمهوری هنوز سرنوشت موضوع مناسبات موریتانی با رژیم اشغال‌گر قدس، مشخص نیست. از دیدگاه رئیس جمهور موریتانی، ادامه یا قطع روابط با صهیونیست‌ها به نتایج اقدامات اخیر اتحادیه عرب بستگی دارد.

وزیران خارجه اردن و مصر به نمایندگی از کشورهای اتحادیه عرب، وارد یک دوره مذاکرات با رژیم صیهونیستی شدند تا روند صلح اعراب و اسرائیل احیا و صلح پایدار را در منطقه خاورمیانه بر پایه طرح اعراب برقرار کنند. سرنوشت این مذاکرات و آینده روند صلح در خاورمیانه، هنوز به دلیل سیاست‌های مبهم رژیم صیهونیستی در هاله‌ای از ابهام است. مقاله حاضر، سعی دارد تا خلاصه‌ای از تاریخ حضور یهودیان در منطقه شمال آفریقا و تلاش رژیم صیهونیستی برای توسعه نفوذ در این منطقه را بیان کند.

### اقلیت‌های یهودی در کشورهای مغرب عربی

درباره تاریخ و فرهنگ یهودیان مغرب عربی، کتاب‌ها و مقالات زیادی نگاشته شده است. صموئیل آیتنجر جزء سوم در کتاب<sup>۱</sup> خود «یهودیان در کشورهای اسلامی»<sup>(۴)</sup> به زندگی و فرهنگ یهودیان مغرب عربی اختصاص داده است. او روند نوگرایی جامعه کلیمی در منطقه را بررسی کرده و موضوع مهاجرت آن‌ها را به فلسطین اشغالی و فرانسه پس از استقلال کشورهای این منطقه از استعمار فرانسه و ایتالیا به تفصیل تشریح می‌کند. نویسنده کتاب، نقش استعمار فرانسه در ارتقای جایگاه یهودیان را تجزیه و تحلیل می‌کند و اهمیت همکاری یهودیان منطقه با نهادهای استعماری را تبیین می‌کند. تاریخ و جمعیت یهودیان کشورهای منطقه شمال آفریقا به شرح زیر است.

<sup>۱</sup> کتاب مزبور شامل ۴۴۵ صفحه می‌باشد و جزء سوم آن، حاوی ۱۷۰ صفحه است.

## موریتانی

۴

اطلاعات و گزارش‌های پیرامون تاریخ یهودیان در این سرزمین، اندک است. این سرزمین به دلیل کویری بودن و نداشتن ویژگی‌های شهرنشینی، زمینه مناسبی برای اقامت یهودیان نداشته است.

## مراکش

براساس آمار جمعیتی سال ۱۹۹۷، در این کشور تنها ۷۵۰۰ یهودی زندگی می‌کنند. این اقلیت، جایگاه ممتازی در سیاست و اقتصاد کشور دارد. در سال ۱۹۹۳، یهودیان مراکش چهار نماینده در پارلمان و ۳۳۰ کرسی داشتند. از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۹۷، حدود ۶۷۷، ۲۱۵ یهودی مراکشی<sup>(۵)</sup> به فلسطین اشغالی مهاجرت کردند. این اقلیت اکنون نقش مؤثری در روند عادی‌سازی روابط میان رباط و تل‌آویو، بازی می‌کند. این اقلیت میان طایفه و فرقه مذهبی «یهود بربر، اشکناز و سفاردیم» گروه‌بندی می‌شود.

## الجزایر

یهودیان این کشور از تبار یهودیان اندلس و ایتالیا می‌باشند. آن‌ها در اقتصاد این کشور جایگاه ممتازی داشته و با استعمار فرانسه ۱۳۰ همکاری فعالی داشتند. یهودیان الجزایری هم چون یهودیان مراکش و تونس، نقش مؤثری در تکوین و تشکیل احزاب چپ و کمونیستی داشتند. براساس آمار سال ۱۹۹۷، تنها پنجاه یهودی در این کشور زندگی می‌کنند. از سال ۱۹۴۸ تا استقلال الجزایر، حدود ۶۸۱، ۲۵ یهودی به فلسطین اشغالی مهاجرت کردند.

## تونس

اغلب یهودیان تونس از اندلس و ایتالیا آمدند و کنیست غریبه جزیره جربه تونس، قدیمی‌ترین معبد یهودیان منطقه شمال آفریقا است و هر ساله هزاران یهودی از این کنیست دیدن می‌کنند. جمعیت این اقلیت در سال ۱۹۴۸، ۱۵۰ هزار نفر بوده، ولی براساس آمار ۲۰۰۳، جمعیت آن‌ها به ۱۵۰۰ نفر رسید. یهودیان تونس در پرتو روند عادی‌سازی روابط تونس - تل آویو توانستند در اکتبر ۱۹۹۹، نهادی به نام «کمیته یهودیان تونس» تشکیل دهند. در پی انفجار تانکر گاز در نزدیکی کنیست غریبه در جربه در ۱۱ آوریل ۲۰۰۲، هفده نفر کشته شدند<sup>(۴)</sup>.

## لیبی

یهودیان لیبی اغلب از تبار مهاجران یهودیان اندلس و ایتالیا هستند. برخی از آن‌ها از نسل یهودیان دوران حاکمیت یونانیان و رومی‌ها بر لیبی می‌باشند. جمعیت این اقلیت در سال ۱۹۱۱، بالغ بر ۴ درصد کل جمعیت لیبی بوده است. در سال ۱۹۴۲، یهودیان این سرزمین تحت ستم نازی‌های آلمان بودند<sup>(۷)</sup> در دوران حاکمیت انگلیس‌ها و نظام سلطنتی لیبی این اقلیت جایگاه خوبی داشته است. در پی جنگ‌های اعراب در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و تشدید افکار عمومی ملت لیبی علیه صهیونیست‌ها و اسرائیل، یهودیان لیبی آسیب‌دیده و تحت این شرایط و تحریک صهیونیست‌ها، آن‌ها به طور دسته‌جمعی به فلسطین اشغالی، مهاجرت کردند. رینزو دی فیلیچی در کتابش، «یهود در سرزمین عربی»،<sup>(۸)</sup> که در سال ۱۹۷۸ به زبان ایتالیایی منتشر شده، می‌گوید: لیلو اربیبا، رهبر یهودیان لیبی، در پی تشدید هیجانات ملت لیبی علیه اسرائیل از دولت حسین مازق در روز ۱۷ ژوئن ۱۹۶۷ خواست به یهودیان اجازه مهاجرت به فلسطین اشغالی دهد و دولت لیبی در ۲۰ ژوئن ۱۹۶۷ با خواسته او موافقت کرد.

سرزمین لیبی از دیدگاه رهبران جنبش صهیونیستی، یکی از گزینه‌های تشکیل دولت صهیونیستی بود و برای تمهیدات آن از سوی جریان‌های صهیونیستی، اقداماتی شد<sup>(۸)</sup>. جمعیت یهودیان لیبی در زمان به قدرت رسیدن سرهنگ قذافی در سپتامبر ۱۹۶۹، فقط صد نفر بودند که این رقم در سال ۱۹۷۴، به بیست نفر کاهش یافت و اکنون فقط یک نفر یهودی در لیبی زندگی می‌کند. رافائل لوزون، رهبر یهودیان لیبی که مقیم ایتالیا

<sup>۱</sup> EBRI IN UN PAEAE ARABO

می‌باشد، در کنفرانس قبطیان مصری که در ۱۶ نوامبر ۲۰۰۵ در واشنگتن برگزار شد، از دولت لیبی خواست تا زیان‌های یهودیان لیبی که دسته‌جمعی از کشورشان به زور اخراج شده اند را جبران نماید.

### جنبش صهیونیستی در شمال آفریقا

یهودیان در طول تاریخ اسلامی در کنف مسلمانان، نسبتاً زندگی آسوده‌ای داشته و همواره جهان اسلام پناهگاه اقلیت‌های یهودی بوده که در زیر یوغ و فشار جهان مسیحیت کاتولیک رنج‌ها، مرارت‌ها چشیدند. با خروج مسلمانان از اندلس، یهودیان این منطقه تحت تعقیب کاتولیک‌ها بودند؛ از این رو مجبور به ترک دیار خود شده و به جوامع اسلامی مغرب عربی پناه بردند و در سایه تعالیم اسلامی به آرامش نسبی رسیدند. در جامعه اسلامی آن‌ها به تعالی و ترقی اقتصادی و علمی رسیدند و ابن میمون<sup>۱</sup>، فیلسوف یهودی، یکی از این یهودیان بوده است.<sup>(۹)</sup> در قرن هفدهم و هجدهم، یهودیان ایتالیا و فرانسه و مالت تحت تعقیب کاتولیک‌ها قرار گرفته و به لیبی، تونس و الجزایر مهاجرت کردند.

با رشد جنبش‌های صهیونیستی در جوامع اروپایی<sup>(۱۰)</sup>، هسته‌های اولیه جنبش صهیونیستی در تونس، الجزایر و مراکش پدید آمدند. در تونس الفرد والنزی، فیلیکس علوش و رینی کوهن، نقش مهمی در توسعه و رشد جنبش صهیونیستی داشته و در کنگره صهیونیست‌ها در ۱۸۹۷ در شهر بال سوئیس، نقش کلیدی داشتند. جنبش صهیونیستی در

<sup>۱</sup> ابن میمون فیلسوف یهودی هم تراز ابن رشد، اندیشمند معروف مغرب عربی، است.

تونس از اواخر قرن نوزدهم تا آستانه جنگ جهانی دوم، سی تشریه داشته که اغلب مقالات آن‌ها به زبان فرانسه بوده است. صهیونیست‌های تونس هم چون سایر صهیونیست‌های الجزایری و مراکشی نقش مؤثری در پایه‌گذاری جریان‌های سیاسی و سندیکا لیستی چپ فرانسه داشتند. در دهه ۳۰ در فرانسه جریان چپ به رهبری جبهه خلق به قدرت رسید و لیون بلوم، رهبر کمونیست‌های فرانسه به مقام نخست وزیری رسید. او عضو بارز آژانس جهانی یهودیان بود. اغلب صهیونیست‌های تونس پس از جنگ جهانی دوم و استقلال تونس در ۱۹۵۶، به فلسطین اشغالی مهاجرت کردند و عده‌ای نیز در تونس ماندند. برخی در احزاب چپ تونس مانند حزب کمونیست تونس و سندیکای کارگری تونس فعال شدند و برخی به جریان لیبرالی تونس پیوستند. هر دو جریان، طرفدار تقسیم فلسطین و هوادار طرح‌های سازش اعراب رژیم صهیونیستی بودند. حزب کمونیست تونس که برخی از یهودیان تونسی نقش مؤثری در رهبری آن دارند، از توافق اوسلو که توسط عرفات و اسحاق را بین در سیزدهم سپتامبر ۱۹۹۳، امضا شد، حمایت کردند. این حزب به مناسبت برقراری روابط میان تونس و تل آویو در ۱۹۹۶، بیانیه داده و از اقدام دولت حمایت کردند. در مراکش بزرگ‌ترین اقلیت یهودی منطقه با مسلمانان زندگی مسالمت‌آمیز داشتند. با تسط استعمار فرانسه بر مراکش در سال ۱۹۱۲، در روند این همزیستی اختلالاتی به وجود آمد<sup>(۱۱)</sup>.

صهیونیست‌های مراکش نقش اساسی در بنیه صهیونیست‌های شاخه سفاردیم

دارند<sup>(۱۲)</sup>.



در سال ۱۸۹۳ دکتر زیمیخ سببوکوف<sup>(۱۳)</sup>، از رهبران صهیونیستی روسیه، وارد مراکش شد. تلاش‌های او در سازماندهی یهودیان مراکش، نقش مؤثری در فعال شدن جنبش صهیونیستی مراکش در سال ۱۹۰۰ داشت. وعده بلفور، وزیر خارجه انگلیس، به تأسیس دولت صهیونیستی در فلسطین و کنفرانس سان ریمو، نقش مهمی در رشد و توسعه دامنه فعالیت صهیونیستی‌های مراکش داشت. آن‌ها با جمع‌آوری اعانه و تشویق یهودیان مراکش به مهاجرت به فلسطین اشغالی، نقش کلیدی در پایه‌گذاری رژیم اشغال‌گر قدس داشتند. جنبش‌های صهیونیستی مراکش در سال ۱۹۲۶ از مرحله مخفیانه به مرحله علنی و آشکارا انتقال یافت و در این مرحله، دامنه فعالیت و تلاش آن گسترش یافت. در دوران جنگ جهانی دوم و حاکمیت رژیم ویشی، محافل یهودی در مراکش دچار آسیب شدیدی شدند. با ورود ارتش آفریقا به مراکش در ۸ نوامبر ۱۹۴۰، جنبش‌های صهیونیستی تجدید حیات نمود و فعالیت خود را دوچندان کرد. این جنبش‌ها نقش مؤثری در مهاجرت ۲۷۲ هزار یهودی مراکشی به فلسطین اشغالی داشتند<sup>(۱۴)</sup>. پس از استقلال مراکش از فرانسه، نقش رهبران یهودی مراکش در سیاست و اقتصاد مراکش کاهش نیافت. در الجزایر نیز جنبش‌ها و انجمن‌های صهیونیستی، نقش مؤثری در توسعه جنبش بین‌المللی صهیونیسم داشتند. این جنبش‌ها نقش منفی در روند همزیستی مسالمت‌آمیز میان یهودیان و مسلمانان داشتند. فعالیت و تلاش‌های این حرکت‌های سیاسی، میزان نفرت مسلمانان نسبت به یهودیان همشهری خود را افزایش داد و تحت این شرایط باز هم یهودیان زندگی نسبتاً آسوده‌ای در جامعه الجزایری داشتند. اخیراً، یکی از نویسندگان آفریقا در کتابی با عنوان «Among The Righteous»، اعتراف می‌کند که چگونه مسلمانان

الجزایری یهودیان را از فشار نازی‌های آلمان و رژیم ویشی حاکم بر فرانسه و مستعمرات آن نجات دادند. نویسنده تأکید می‌کند که علمای مسلمان الجزایر مبنی بر تحریم مصادره اموال و املاک یهودیان فتوا صادر کرده‌اند. روبرت ساتلوف، نویسنده کتاب، از مصادیق زیادی در زمینه رفتار مسلمانان الجزایر نسبت به یهودیان در کتاب استفاده می‌کند. که چگونه آن‌ها یهودیان را از کوره‌های آدم سوزی هیتلر نجات دادند. جنس صهیونیستی هم چنین در میان افشار یهودی لیبی فعال بوده و با آغاز قرن بیستم و اشغال کشور توسط لیبی رشد و نمو داشته است. با به قدرت رسیدن فاشیسم به رهبری موسولینی، یهودیان لیبی دچار تضيیقات و فشارهای گوناگون از سوی سلطه استعماری ایتالیا در لیبی شدند. در پایان جنگ جهانی دوم و شکست ایتالیا در این جنگ و ورود نیروهای مشترک آمریکا و انگلیس به خاک لیبی، انجمن‌ها و جمعیت‌های یهودی و صهیونیستی احیا شدند<sup>(۱۵)</sup>. در سال‌های ۱۹۵۶، ۱۹۴۵، ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ میان مسلمانان لیبی و یهودیان آن، کشور حوادث خونی تکرار شد و صهیونیست‌ها از این شرایط کامل بهره‌برداری می‌کنند و یهودیان را تشویق به مهاجرت به فلسطین اشغالی و ایتالیا می‌کنند<sup>(۱۶)</sup>.

### قضیه فلسطین و موضوع منازعه اعراب و اسرائیل

اگرچه منطقه شمال آفریقا از لحاظ جغرافیایی از منازعه اعراب و اسرائیل و پیامدهای قضیه فلسطین و مردم آن، قدری دور است، ولی به دلایل پیوندها و وابستگی‌های قومی و مذهبی همواره قضایای منطقه خاورمیانه به ویژه روند منازعات اعراب و اسرائیل در ابعاد مختلف تأثیرات گوناگونی روی تحولات منطقه مغرب عربی داشته است.

### قضیه فلسطین از دیدگاه رهبران کشورهای منطقه شمال آفریقا

اغلب طرح‌های سازش کارانه اعراب در قبال قضیه فلسطین و روند صلح اعراب و اسرائیل در کنفرانس‌های سران کشورهای اتحادیه عرب مطرح شده است. اجلاس‌های سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ که در شهر فاس برگزار شد، روند سازش کاری اعراب را تشدید کرد. در این اجلاس‌ها، اعراب به طور آشکارا با پذیرش قطعنامه ۲۸۲ شورای امنیت، رژیم اسرائیل را به رسمیت شناختند. دیدگاه سران کشورهای شمال آفریقا نسبت به قضایای خاورمیانه به ویژه قضیه سرنوشت‌ساز فلسطین را نمی‌توان در این مقاله به طور تفصیلی تبیین نمود. ولی به طور مطالعه موردی به دیدگاه حبیب بورقیبه، رئیس جمهور سابق تونس، نسبت به قضیه فلسطین می‌پردازیم.

مایکل ام لاسکیبر در مقاله‌ای با عنوان «اسرائیل و مغرب عربی در اوج منازعه اعراب و اسرائیل» که در نشریه "MERIA"<sup>(۱۷)</sup> چاپ شده، به تجزیه و تحلیل مناسبات کشورهای مغرب عربی در دهه ۵۰ تا دهه ۷۰ می‌پردازد. او می‌گوید که رهبران تونس در آستانه استقلال کشورشان از یوغ استعمار فرانسه به حمایت لابی صهیونیستی در آمریکا و سازمان ملل نیاز مبرمی داشتند. در اولین حکومت تونس پس از استقلال به رهبری بورقیبه، یک وزیر یهودی حضور داشت که از دوستان نزدیک رئیس جمهور بود. بورقیبه در طول دوران ریاست جمهوری‌اش (۱۹۸۷-۱۹۵۶)، بر این باور بود که اعراب باید قطعنامه ۲۸۲ را بپذیرند و اسرائیل را به رسمیت بشناسند. وی این مطلب را در سفرش به شهر

اریحا و در جمع فلسطینیان آشکارا مطرح کرد<sup>۱</sup> و با هجمه رسانه‌های عربی و انتقاد شدید از سوی رهبران فلسطینی و رهبران احزاب چپ و ناصریستی جهان عرب روبه‌رو شد. دیدگاه بورقیه درباره قضایای خاورمیانه و روند سازش اعراب، یکی از محورهای اساسی اختلاف و تنش او با ناصر رهبر مصر بود<sup>(۱۸)</sup>. رئیس جمهور سابق تونس تا آخرین روز حضورش در مسند قدرت<sup>۲</sup>، از اعراب می‌خواست که واقعیت‌های خاورمیانه را قبول کند.

### قضیه فلسطین در ایدئولوژی و برنامه احزاب منطقه

اغلب احزاب سیاسی وابسته به جریانان سوسیالیستی و کمونیستی در کشورهای منطقه، شعباتی از احزاب چپ فرانسه بوده و شخصیت‌های یهودی در کادر رهبری آن حضور داشتند. این واقعیت‌ها تأثیراتی در دیدگاه رهبران این احزاب نسبت به قضیه فلسطین داشته است. احزاب چپ مغرب عربی اغلب طرفدار تقسیم فلسطین و تشکیل دولت صهیونیستی اسرائیل بودند. آن‌ها واقعیت‌ها و شرایط موجود در خاورمیانه را پذیرفته بودند. با بررسی اسناد و برنامه‌های اولین اجلاس احزاب مغرب عربی که در فوریه ۱۹۴۷ در قاهره برگزار شد و نیز برنامه‌ها و دیدگاه‌های احزاب مغرب عربی شرکت‌کننده در کنگره سوسیالیست‌های عرب که در سال ۱۹۶۷ در الجزیره برگزار شد، می‌توان به حقیقت دیدگاه احزاب چپ و لیبرال مغرب عربی پی برد. احزاب لیبرال و دموکرات منطقه از لحاظ تئوری و فکری در قبال قضیه فلسطین اختلافات چندانی با احزاب سیاسی وابسته

<sup>۱</sup> این سخنان در سال ۱۹۶۵ مطرح شد.

<sup>۲</sup> در هفتم نوامبر ۱۹۸۷، بین علی رئیس جمهور شد و جنیب بورقیه از قدرت کنارت رفت.

به جریان چپ ندارند. اغلب این احزاب، بیانگر دیدگاه رهبران کشورهای این منطقه می‌باشند. برای مثال، شالوده‌ایدئولوژیک حزب حاکم در تونس، براساس اندیشه‌های بورقیبه پایه‌ریزی شده و اصل امت تونس<sup>(۱۹)</sup> مرکز ثقل بورقیسیم است. این اندیشه با افکار ناسیونالیسم عرب ناصر تفاوت ماهوی دارد. در پرتوی اندیشه‌های بورقیبه قضیه فلسطین در درجه اول مشکل خود فلسطینی‌ها و در درجه دوم مشکل اعراب مشرقی است و در نهایت، قضیه فلسطین یک امر ثانوی برای تونس است. اما جریان اسلامی با رویکردهای مختلف آن به قضیه فلسطین اهتمام زیادی می‌رود و آن را قضیه تمامی مسلمانان می‌داند و آزادی قدس شریف را وظیفه همه مسلمانان می‌داند. این جریان به ویژه با رویکرد سیاسی، نقش مؤثری در بسیج افکار عمومی به سود حمایت از قضایای ملت فلسطین دارد. یکی از علل مخالفت غرب و رژیم‌های لاییک منطقه با جریانات اسلامی منطقه مغرب عربی، ضدیت این جریانات با رژیم صهیونیستی است. در روند عادی‌سازی روابط میان کشورهای منطقه مغرب عربی با رژیم صهیونیستی، جریانات اسلامی با رویکردهای مختلف آن، بزرگ‌ترین مانع محسوب می‌شوند. این جریانات در مناسبت‌های ملی و مذهبی از قضیه مردم فلسطین حمایت می‌کنند و سیاست‌های رژیم اسرائیل را محکوم و روند سازش اعراب با اسرائیل را افشا می‌کنند.

### قضیه فلسطین در وجدان مردم منطقه

شالوم، وزیر خارجه سابق و عضو کابینه شارون، در مصاحبه مطبوعاتی گفته بود که کشورهای مغرب عربی از این که نمی‌توانند روند عادی‌سازی روابطشان با اسرائیل را تقویت کنند، معذورند؛ زیرا افکار عمومی منطقه مانع جدی در قبال این روند است.

تجربه روابط مصر و رژیم اسرائیل و انزوای آشکار سفیران رژیم برای همگان روشن است. در کشورهای منطقه نیز دیپلمات‌های صهیونیستی همواره از انزوا و محاصره شکایت می‌کنند. این وضعیت، فشارهای روانی بر آن‌ها وارد ساخته است. هنوز قضیه فلسطین و مظلومیت مردم آن در وجدان مردم بیدار مغرب عربی زنده است و هنرمندان و ادبای این منطقه به صورت‌های گوناگون این امر را متجلی می‌سازند. مردم آگاه و بیدار مغرب عربی برای حمایت سازنده از قضیه فلسطین اقدام به تأسیس انجمن‌ها و جمعیت‌های حمایت از قضیه فلسطین نمودند. برای مثال، در مراکش جمعیت‌های مردمی در حمایت از قضیه فلسطین و مردم آن تشکیل شد؛ از جمله: ۱. جمعیت اقدام ملی برای حمایت از عراق و فلسطین؛ ۲. جمعیت مغربی برای حمایت از مبارزه فلسطین.

این جمعیت‌ها در مناسبت‌های مختلف، کمک‌های مالی و مادی مردم را جمع‌آوری و برای فلسطینی‌ها ارسال می‌دارند.

در تونس، الجزایر، لیبی و موریتانی از این گونه انجمن‌ها و جمعیت‌ها نیز پایه‌گذاری شده است. مردم این منطقه در حمله وحشیانه اسرائیل به لبنان در ژوئیه ۲۰۰۶ نیز بسیج شده و با تظاهرات مردمی این حمله را محکوم و از مقاومت ملی و اسلامی لبنان حمایت کردند.

روند عادی‌سازی روابط میان کشورهای مغرب عربی و رژیم صهیونیستی در میان پنج کشور منطقه مغرب عربی، تنها لیبی و الجزایر روابط آشکار با رژیم صهیونیستی ندارند. کشور موریتانی در سطح سفارت<sup>۱</sup> و مراکش و تونس در سطح دفتر ارتباطات با رژیم صهیونیستی روابط دارند. عوامل وانگیزه‌های کشورهای منطقه مغرب عربی برای عادی‌سازی روابطش با رژیم صهیونیستی متفاوت است.

شکست اعراب در جنگ شش روزه (۱۹۶۷)، امضای توافقنامه ننگین کمپ دیوید میان مصر و رژیم صهیونیستی (۱۹۷۸)، امضای معاهده صلح میان مصر و رژیم صهیونیستی (۱۹۷۹)، کنفرانس صلح مادرید (۱۹۹۱)، امضای توافقات اوسلو (۱۹۹۳)، امضای معاهده وادی عربیه میان اردن و رژیم صهیونیستی (۱۹۹۴) و تحولات جهانی و منطقه‌ای پس از فروپاشی شوروی و حادثه یازدهم سپتامبر، همگی روی روند تحولات منطقه مغرب عربی و قضایای خاورمیانه تأثیرات گوناگون داشتند. برخی از آگاهان به مسایل مغرب عربی بر این باورند که تحولات فوق، زمینه را برای بستر سازی روند عادی‌سازی میان رژیم صهیونیستی و کشورهای این منطقه، فراهم ساخته است. از جمله متغییراتی که زمینه را برای توسعه روند عادی‌سازی روابط میان کشورهای مغرب عربی و رژیم صهیونیستی، مهیا ساخت، عبارتند از:

۱. تراکم تاریخی قضیه فلسطین و احساس نیاز برای خروج از این بن بست.

<sup>۱</sup> رژیم صهیونیستی در کشورهای مصر، اردن و موریتانی سفارت خانه دارد.

۲. عامل روابط واشنگتن با کشورهای منطقه و رژیم صهیونیستی. آمریکا با حمایت‌های گوناگون از رژیم صهیونیستی، خود را نسبت به تأمین امنیت و مصالح ملی اسرائیل متعهد و مسئول می‌داند.
۳. تحولات منطقه‌ای شرایطی را برای پذیرش واقعیت‌های منطقه و جهان به وجود می‌آورد. اغلب این تحولات و شرایط، به سود روند عادی‌سازی روابط میان کشورهای منطقه و رژیم صهیونیستی است.
۴. تشدید و افزایش نیازمندی‌های نظام‌های سیاسی این منطقه برای تأمین استمرار و بقای خود، به باور بسیاری از رهبران عرب، رژیم صهیونیستی حلال مشکلات است و واسطه برجسته‌ای برای جذب نیازهای امنیتی و اقتصادی از ابرقدرتی هم چون آمریکا می‌باشد و عادی‌سازی روابط میان این کشورها و رژیم صهیونیستی، یکی از درهای تأمین نیازهای رهبران نظام‌های سیاسی کشورهای منطقه است.
۵. قدرت لابی صهیونیستی در جامعه بین‌الملل: به عقیده بسیاری از سیاسیون عرب، رژیم صهیونیستی وسیله قرب و دفع‌کننده مشکلات است.
۶. از دیدگاه بسیاری از سیاسیون عرب، عادی‌سازی روابط با اسرائیل از ملزومات پیوستن به جامعه بین‌المللی و داشتن برخی از مصونیت‌ها در قبال فشارهای آمریکا می‌باشد.
۷. تخصص رژیم صهیونیستی در برخی از مسایل امنیتی و نظامی و اطلاعاتی، برای بسیاری از اعراب و رهبران آن‌ها حیاتی است. برای مثال، رژیم ولد طایع،



رئیس‌جمهور سابق موریتانی، برای خنثی کردن کودتاها و توطئه‌های رقیبان از تخصص اطلاعاتی و امنیتی اسرائیلی‌ها استفاده کرد.

۸. به عقیده برخی از آگاهان به مسایل خاورمیانه، عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی می‌تواند زمینه مناسبی برای تسهیل روند عادی‌سازی روابط با آمریکا باشد. برخی از آگاهان عرب معتقدند که لیبی برای شروع روند عادی‌سازی با غرب، تظاهر به عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی کرد<sup>(۲۰)</sup>.
۹. نقش یهودیان شمال آفریقا در اسرائیل و کشورهای منطقه: پیش از ۹۰۰ هزار یهودی مغرب عربی در فلسطین اشغالی زندگی می‌کند. آن‌ها جایگاه ممتازی دارند.

## مناسبات رژیم صهیونیست با کشورهای مغرب عربی

### مناسبات موریتانی با رژیم صهیونیستی (مطالعه موردی)

بررسی مناسبات رژیم صهیونیستی با پنج کشور مغرب عربی از حوصله این مقاله خارج است و نیاز به مقاله جداگانه‌ای دارد. در این مقاله به عنوان مطالعه موردی، مناسبات نواکشوت و تل آویو، بررسی می شود.

برقراری روابط میان موریتانی و رژیم صهیونیستی برای بسیاری از آگاهان مسایل منطقه شمال آفریقا یک حادثه غیرمنتظره ای بود؛ زیرا شرایط و زمینه های لازم برپایی یک روابط دیپلماتیک آن هم در سطح سفارت میان دو کشور، مهیا نبوده است. موریتانی، تنها کشور منطقه مغرب عربی است که یهودیان سابقه اقامت در خاکش را نداشتند. جمعیت این سرزمین صددرصد مسلمان و دارای مذهب است.

در طول تاریخ معاصر این کشور، ملت مسلمان موریتانی همواره پشتیبان فلسطینیان و خواهان احقاق حقوق حقه آن‌ها بودند. دولت و ملت موریتانی طی سی و پنج سال گذشته، به فلسطینی‌ها و گروه‌های آزادی بخش آن، پایگاه و پناهگاه دادند و بسیاری از رهبران فلسطینی با گذرنامه موریتانی به مناطق مختلف جهان سفر می کردند.

### زمینه‌ها و انگیزه‌های عادی سازی روابط میان موریتانی و رژیم صهیونیستی

برخی از آگاهان تاریخ موریتانی می گویند که دیپلمات‌های صهیونیستی و افسران موساد در پاریس و واشنگتن با مختار ولد داده، رهبر ملیون موریتانی، در آستانه استقلال

کشورش ملاقات‌ها و مذاکراتی داشتند. آن‌ها حمایت اسرائیل را از رژیم نوپا در قبال تهدیدات همسایگان به ویژه مراکش در مقابل به رسمیت شناختن دولت صهیونیستی پیشنهاد کردند. ولی ولد داده این پیشنهاد را رد کرده و به خواسته های صهیونیست‌ها تمکین نکرد.

برقراری مناسبات دیپلماتیک میان نواکشوت و تل آویو، روند شتابزده‌ای داشته و در بسترسازی این روند، عوامل مختلفی دخالت داشته است. با بررسی روند عادی سازی روابط میان نواکشوت و تل آویو می‌توان برخی از علل و انگیزه‌های اقدام رژیم ولدطایع برای سازش با رژیم صهیونیستی را بیان نمود که عبارتند از :

۱. برخی از آگاهان مسایل موریتانی معتقدند که تنش در روابط میان نواکشوت و پاریس<sup>۱</sup> و انتقادات شدید کاخ نشینان آلیزه از رژیم ولد طایع، نواکشوت را هراسان ساخت؛ از این رو برای دفع شر پاریس، این رژیم تلاش کرد از حمایت واشنگتن و تل آویو برخوردار گردد.

۲. عده‌ای از کارشناسان مسایل موریتانی بر این باورند که رژیم نواکشوت برای فرار رژیم ولدطایع از انتقادات حقوق بشری<sup>(۲۱)</sup> جامعه بین الملل به ویژه آمریکا تلاش‌هایی نموده تا از نزدیکی به کاخ سفید و بهره برداری از لابی صهیونیستی خود را از پیامدهای این انتقادات رها سازد. هم چنین تا توسعه روابطش با واشنگتن سعی داشت جریان سرمایه گذاری غرب به موریتانی را تسهیل کند.

<sup>۱</sup> در پی دستگیری یک افسر بلند پایه موریتانی توسط فرانسه، روابط میان دو کشور متشنج شد. افسر فوق متهم به محاکمه معارضینش بوده است.

۳. موریتانی پس از جنگ دوم خلیج فارس و تنش میان واشنگتن و رژیم صدام با دوری جستن از رژیم بعثی و قطع روابط با لیبی را بسیاری از منابع مالی از دست داد؛ از این رو برای تأمین مالی و اقتصادی خود نیاز مبرمی به توسعه روابطش با واشنگتن داشت و عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی تمهیدات این راه بوده است.

۴. موریتانی به تخصص اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی، نیازمند است<sup>(۲۲)</sup> نواکشوت سعی کرد از تجربیات اطلاعاتی و تخصصی نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی رژیم صهیونیستی برای بقای رژیم ولدطایع استفاده کند.

### اهداف و انگیزه‌های رژیم صهیونیستی در برقراری روابط با موریتانی

از جمله اهدافی که رژیم صهیونیستی در برقراری مناسبات گوناگون با موریتانی مدنظر دارد:

۱. تقویت بنیه اقتصادی اسرائیل: بخشی از این هدف از رهگذر گسترش صادرات خود به بازاری هم چون موریتانی، تأمین می شود.
۲. تحکیم نفوذ خود در منطقه مغرب عربی که جایگاه راهبردی در سیاست‌های آفریقا و فرانسه دارد.
۳. ادامه سیاست ایجاد شکاف و تفرقه میان کشورهای عربی و تلاش برای ایجاد زمینه‌های تسریع روند عادی سازی روابط میان خود و سایر کشورهای عربی.

۴. تلاش برای استفاده از موقعیت راهبردی موریتانی به عنوان پل ارتباطی میان کشورهای عربی و آفریقایی به سود خود.
۵. بهره‌وری این رژیم از ذخایر زیرزمینی موریتانی چون نفت، طلا، مس و الماس: موریتانی برای بهره‌برداری از معادن خود، نیاز مبرمی به سرمایه‌گذاری‌های خارجی دارد و رژیم صهیونیستی می‌تواند بخشی از آن را تأمین کند.
۶. ایجاد نفوذ در مراکز قدرت کشور موریتانی و استفاده از آن در برنامه‌ها و طرح‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.
۷. به عقیده برخی از آگاهان مسایل غرب آفریقا، برای برقراری روابط میان تل‌آویو و نواکشوت می‌تواند بستر ساز تقویت و تحکیم نفوذ اسرائیل در منطقه غرب آفریقا باشد و موریتانی مانند پایگاه عملیاتی برای اجرای برنامه‌های راهبردی آن رژیم باشد.

### ابعاد همکاری‌های دو جانبه

۱. همکاری اطلاعاتی و امنیتی: رژیم اسرائیل گارد محافظ سرهنگ ولدطایع، رئیس جمهور سابق موریتانی، را آموزش داد. براساس برخی از گزارش‌های رسانه‌های عربی، موساد، نقش ارزنده‌ای در خنثی‌سازی کودتاها و توطئه‌های نظامیان مخالف حکومت سیداحمد ولدطایع، داشت. بنابر گزارش روزنامه لبنانی النهار در کاخ ریاست جمهوری<sup>(۲۳)</sup>، رئیس جمهور سابق موریتانی پیش از یک صد کارشناس موساد فعال بودند.

۲. همکاری میان دو کشور برای دفع زباله‌های هسته‌ای اسرائیل: نشریه «الاحداث»<sup>(۲۴)</sup>، براساس گزارش‌های منابع مؤثق فاش کرد که میان موریتانی و رژیم صهیونیستی موافقتنامه‌ای امضا شد که به موجب آن، رژیم اسرائیل از صحرای موریتانی برای دفن زباله‌های هسته‌ای می‌تواند استفاده کند.
۳. همکاری بازرگانی: حجم مبادلات بازرگانی میان دو کشور اندک است و براساس آمار سال ۲۰۰۳، بالغ بر یک میلیون دلار است.
۴. همکاری در زمینه فرهنگی و روابط عمومی: سفیر رژیم صهیونیستی در نواکشوت سعی می‌کند با عوامل قدرت شخصیت‌های با نفوذ موریتانی ارتباط پیدا کند در این راستا، سفارت این رژیم در نواکشوت، برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی برای توسعه روابط مردمی و فرهنگی میان هر دو کشور اجرا می‌کند.

## بهداشت دارو

رژیم صهیونیستی برخی از داروهای تولید شرکت "RAD" را به بازار موریتانی صادر می‌کند و در زمینه بهداشت، رژیم صهیونیستی قصد دارد در آینده مرکز پژوهش‌های بیماری‌های سرطانی را در موریتانی ایجاد کند. هم‌چنین تاکنون بیش از چهار هیأت بهداشتی اسرائیلی از این کشور دیدن کردند و قول دادند که به موریتانی در زمینه تجهیزات پزشکی و آموزشی و درمانی کمک کنند.

## همکاری آموزشی و علمی

در سال ۱۹۹۷، اسرائیلی‌ها کنفرانس علمی با عنوان «انسان، آب و کرین» در دانشکده علوم دانشگاه نواکشوت برگزار کردند. هم‌چنین این رژیم در زمینه‌های آموزش زبان انگلیسی، مدیریت دولتی، مدیریت تعاونی‌ها و مدیریت پروژه‌های توسعه کشاورزی و دامپروری بورسیه‌هایی به دانشجویان موریتانی اعطا نموده‌اند.

## همکاری‌های دامپروری و کشاورزی

سازمان نجات درخت خرما که سازمان اقتصادی و پژوهشی است و توسط سرمایه داران موریتانی اداره می‌شود، اولین گام را در روند عادی‌سازی روابط میان موریتانی و رژیم صهیونیستی برداشت و برخی از کارگران و کارشناسان خود را برای آموزش به فلسطین اشغالی اعزام داشت. اسرائیلی‌ها در طرح بهبود زراعت سیب زمینی، ۲۶ میلیون دلار سرمایه گذاری کردند.

## مواضع جریانات سیاسی موریتانی درقبال روند عادی سازی روابط کشورشان با رژیم صهیونیستی

مردم مسلمان موریتانی با شیوه‌های مختلف، اعتراض خود را نسبت به اقدام رژیم ولدطایع مبنی بر عادی سازی روابطش با رژیم صهیونیستی ابراز داشتند. تظاهرات علیه رژیم صهیونیستی در مناسبت‌های مختلف، یکی از شاخص‌های مهم موج اعتراضات مردمی است. سفارت رژیم صهیونیستی در نواکشوت از سوی یک پادگان نظامی حمایت می‌شود. سفر هیأت‌های صهیونیستی به موریتانی همیشه با اعتراضات شدید و تظاهرات خشونت‌آمیز روبه‌رو است. علمای مسلمان موریتانی با صدور فتوا هر گونه همکاری و همراهی با روند عادی سازی روابط و خرید کالاهای اسرائیلی و استفاده از خدمات صهیونیست‌ها را تحریم کردند فتوای شیخ محمد الحسن ولد دوو که نشریه «الرأیة» آن را منتشر کرد، نمونه بازرری از مخالفت موریتانی‌ها با روند سازش دولت موریتانی با رژیم صهیونیستی است. نیروهای مردمی برای مقابله با روند عادی سازی، اقدام به تشکیل کمیته‌های مردمی هم چون کمیته مردمی برای مقابله با نفوذ اسرائیل در موریتانی و کمیته مردمی برای مقابله با عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی کردند. احزاب مختلف رژیم ولدطایع نقش مهمی در هدایت و رهبری مردم در مقابل روند عادی سازی روابط با رژیم اشغالگر قدس داشتند. رژیم ولدطایع برای مقابله با جنبش‌های معارض سازش به دستگیری رهبران احزاب و جریانات مخالف پرداخت و بسیاری از علما و روحانیون موریتانی با طیف‌های مختلف به خاطر اعتراض به عادی سازی روابط با اسرائیل راهی زندان‌ها شدند. بسیاری از آگاهان به مسایل موریتانی، نقش مخالف مردمی با روند



عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی را یکی از عوامل پیروزی کودتای می ۲۰۰۵ و سرنگونی رژیم سید احمد ولدطایع دانستند. پس از روی کار آمدن علی ولد محمد فال، نظامیان به وعده‌های خود در برگزاری انتخابات قانون اساسی، پارلمان و ریاست جمهوری وفادار بوده‌اند. موضوع مناسبات موریتانی و رژیم صهیونیستی از حورهای اساسی کارزارهای تبلیغاتی انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری بود. رئیس جمهور موریتانی نسبت به موضوع عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی بی‌طرفی خود را اعلام کرد و سرنوشت این موضوع را ابتدا به بررسی‌های اعضای پارلمان موریتانی واگذار کرد. ولی در حال حاضر، آینده روند عادی‌سازی روابط کشورش با رژیم صهیونیستی منوط به مواضع اتحادیه عرب و نتایج گروه تماس اعراب با رژیم صهیونیستی، است.

### گاه شماری روند عادی‌سازی روابط موریتانی و رژیم صهیونیستی

اوایل دهه ۹۰: قطع روابط نواکشوت و بغداد و محروم شدن رژیم ولدطایع از کمک‌های صدام حسین. آغاز تنش در مناسبات پاریس و نواکشوت.

۱۹۹۲: کنفرانس صلح مادرید و آغاز دور دوم سازش اعراب و اسرائیل.

۱۹۹۵/۶/۱۸: ملاقات محمد سالم ولد لکحل وزیر خارجه سابق موریتانی و پرز وزیر

خارجه سابق رژیم صهیونیستی در مادرید.

۲۷/ نوامبر ۱۹۹۵: امضای توافقنامه‌ای میان موریتانی و اسرائیل مبنی بر گشایش

دفاتر حافظ منافع در پایتخت‌های دو کشور اسپانیا به ویژه سولانا، وزیر وقت امور خارجه

اسپانیا، نقش مهمی در وساطت میان نواکشوت و تل‌آویو داشت.

پایان اکتبر ۱۹۹۸: الشیخ العافیة ولد محمد خونا، وزیر خارجه وقت موریتانی، به فلسطین اشغالی سفر کرده و با مقامات صهیونیستی از جمله نتانیاهو، نخست‌وزیر صهیونیستی، ملاقات و مذاکره نمود. یکی از موضوعات این ملاقات، تسهیلات موریتانی برای دفن زباله‌های هسته‌ای اسرائیل در مقابل کمک‌های صهیونیستی به طرح‌ها و پروژه‌های کشاورزی بوده است.

ژانویه ۱۹۹۹: احزاب مخالف انتخابات شهرداری‌ها را تحریم کردند. عده‌ای از رهبران معارض توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند.

۱۱ ژوئن ۱۹۹۹: یک تیم پزشکی صهیونیستی برای اجرای چند عمل جراحی چشم وارد نواکشوت شد.

۲۶ اکتبر ۱۹۹۹: احمد ولد سید احمد، وزیر خارجه وقت موریتانی، و همتای صهیونیستی خود، دیوید لیفی در حضور خانم مادلین آلبرایت، وزیر خارجه آمریکا، قرارداد ارتقای سطح مناسبات بین دو کشور به سطح سفارت امضا کردند<sup>(۳۵)</sup>.

آوریل ۲۰۰۰: هیأتی از پارلمان اسرائیل به ریاست ناعومی شاران از حزب میریتس وارد نواکشوت می‌شده و با تظاهرات خشونت باری از سوی مردم مسلمان موریتانی روبه رو می‌شوند.

می ۲۰۰۱: در پی انتفاضه دوم (دوم سپتامبر ۲۰۰۰)، اتحادیه عرب از کشورهای عربی که با رژیم روابط دارند خواست تا به خاطر سیاست خشونت‌آمیز رژیم صهیونیستی علیه ملت مظلوم فلسطین مناسبات خود را قطع و سفرای خود را فراخواندند. مصر، اردن، تونس و مراکش به در خواست اتحادیه پاسخ مثبت دادند، ولی موریتانی نه تنها پاسخ نداد، بلکه

ولدعبدی وزیر خارجه خود را به فلسطین اشغالی اعزام کرد. او با شارون، نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی، ملاقات و مذاکراتی داشت. در پی این اقدام، تظاهرات وسیعی در داخل موریتانی برپا شد. ولی روابط خود را با نواکشوت قطع نمود.

۲۰۰۲: سفر شیمون پرز، وزیر خارجه وقت رژیم صهیونیستی، به موریتانی این سفر در پاسخ به سفر همتای خود به فلسطین اشغالی بود. جریان‌ات اسلامی نسبت به این سفر اعتراض کردند و برخی از رهبران گروه‌های اسلامی و امامان مساجد نواکشوت دستگیر شدند.

۲۰۰۲/۹/۵: ملاقات پرز، وزیر خارجه اسرائیل، با معاویه ولدطایع رئیس‌جمهور موریتانی در آفریقای جنوبی در حاشیه کنفرانس بین‌المللی زمین.

می ۲۰۰۵: سفر سلیمان شالوم، وزیر خارجه اسرائیل، به نواکشوت و تظاهرات مردمی علیه این سفر نظامیان که ولدطایع را سرنگون کردند، به اسرائیل اطمینان دادند که روند عادی‌سازی روابط میان دو کشور هم‌چنان استمرار خواهد یافت.

اکتبر ۲۰۰۵: وزیر خارجه جدید موریتانی پس از چند هفته از کودتای می ۲۰۰۵ در ملاقاتش با همتای صهیونیستی خود در همایش اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک تأکید کرد که تحولات جدید به روند عادی‌سازی روابط میان دو کشور هیچ آسیبی نخواهند رساند.

می ۲۰۰۶: سفر یاکوب هداس رئیس اداره خاورمیانه و عملیات روند صلح وزارت خارجه رژیم صهیونیستی به موریتانی.

### سومین سفیر رژیم در نواکشوت

بوعز بیسموت، متخصص امور آفریقا و فارغ‌التحصیل سوربن و خبرنگار روزنامه یدیعوت امارنوت، در پاریس بوده است. او پس از چند روز از ترور شهید الرنتیسی، رهبر حماس، توسط نیروهای امنیتی اسرائیل به عنوان سومین سفیر اسرائیل در نواکشوت در می ۲۰۰۴ منصوب شد.

### نتیجه گیری

روند عادی سازی روابط میان رژیم صهیونیستی و کشورهای مغرب عربی با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌رو است. مخالفت مردم و جریانات ملی و اسلامی این کشورها با این روند، مهم‌ترین عامل بازدارنده توسعه و شتاب روند عادی سازی است. مقابله با گروه‌های اسلامی با طیف‌های مختلف آن می‌تواند به روند عادی سازی روابط میان رژیم صهیونیستی و کشورهای شمال آفریقا شتاب بیشتری وارد سازد. منافع و مصالح نظام‌های سیاسی این کشورها نیز می‌تواند برای روند سازش اعراب و صهیونیست‌ها مشکلات و معضلاتی جدی پدید آورد.

آمریکا در تنظیم این روند نقش مؤثری دارد. عدم موفقیت طرح‌های آمریکایی در منطقه هم چون طرح خاورمیانه بزرگ، خود از عوامل مهم در شکست روند صلح اعراب و اسرائیل است. تأمین امنیت کامل رژیم صهیونیست‌ها برای شرکای راهبردی این رژیم، مشکلات عدیده‌ای ایجاد کرده است، تداوم هزینه‌های این امر، روی روند عادی سازی روابط جهان عرب و رژیم صهیونیستی تأثیر منفی خواهد داشت.

## پی‌نوشت:

۱. سناتور تام لاتوس، رئیس کمیته سیاست خارجی کنگره آمریکا، می‌باشد. او مهندسی ترمیم مناسبات واشنگتن - طرابلس است و در تدوین قانون مجازات علیه دمشق و قانون کاهش کمک‌های آمریکا به قاهره، نقش مؤثری بازی کرد.
۲. سرهنگ قذافی، رهبر لیبی، پس از تغییر رویکرد سیاست کشورش و برای شتاب دادن به روند عادی‌سازی روابط کشورش با غرب، اعلام کرد: کشورش آماده است تا زیان‌هایی که یهودیان لیبی در پی خروجشان از کشور متحمل شده‌اند را جبران نماید.
۳. حرکیون «Harkies»: به الجزایری‌های عرب که در دوران استعمار فرانسه به ارتش و دستگاه‌های اطلاعاتی آن خدمت کردند، گفته می‌شوند. آن‌ها پس از پایان استعمار و استقلال الجزایر در سال ۱۹۶۲ به فرانسه فرار کردند و دولت فرانسه هر ساله به بهانه‌هایی به آن‌ها پاداش و مدال‌های افتخار می‌دهد. دولت فرانسه در ۲۳ فوریه ۲۰۰۵، قانونی تصویب کرد که خدمات دوران استعماری فرانسه در منطقه مغرب عربی به ویژه در الجزایر را ستود که با اعتراض الجزایری‌ها روبه‌رو شده است.
۴. صموئیل آتینجر، اليهود فی البدان الاسلامیه (۱۸۵۰-۱۹۵۰) ترجمه: دکتر جمال احمد الرفاعی، کویت، انتشارات المجلس الوطنی الثقافه و الفنون و الاداب می‌۱۹۹۵.
۵. براساس برخی از آمارهای مؤثق، تعداد یهودیان مراکش در فلسطین اشغالی را ۲۷۲ هزار نفر بیان می‌کنند. آن‌ها نقش مؤثری در سیاست و اقتصاد اسرائیل دارند. در صحنه سیاست صهیونیستی، اقلیت یهودیان روس تنها رقیب توانمند آن‌ها می‌باشد.
۶. در میان این کشته‌شدگان، یازده توریست آلمانی وجود دارند.

۷. ارتش آلمان با همکاری و هماهنگی ایتالیا، سواحل لیبی را کاملاً اشغال کردند و اقداماتی برای اشغال مصر انجام دادند. شکست آلمان در نبرد العلمین در لیبی باعث خروج استعمار ایتالیا از لیبی شد جایگاه یهودیان لیبی پس از حضور ارتش انگلیس و فرانسه در لیبی ترمیم شد.

۸. مصطفی عبدالله بعیو در کتابش «المشروع الصهيونی لتوطین الیهود فی لیبیا»، به تفصیل طرح‌های صهیونیستی‌ها را برای تشکیل دولت صهیونیستی در لیبی بیان نموده است. بعیو، «المشروع الصهيونی لتوطین الیهود فی لیبیا»، تونس، الدار العربیة الکتاب ۱۹۷۵.

۹. اقلیت‌های یهودی و مسیحی در پرتوی حاکمیت‌های دولت‌های شیعی هم چون آل بویه در عراق و فاطیمان در مصر، جایگاه ممتازی پیدا کردند و حتی برخی از آن‌ها به مقام وزارت نیز رسیدند.

۱۰. با بررسی اهداف و عقاید این جنبش‌ها به وضوح به این نتیجه می‌رسیم که این اقدامات بازتاب رفتار جوامع کاتولیکی علیه یهودیان اروپا بوده است.

۱۱. مصطفی الخلفی، «یهود المغرب و التغایش الیهودی العربی».

۱۲. همان، «دور الصهيونیة و الافتراق الیهودی العربی المغربی».

۱۳. اصطلاح سفاردیم به یهودیان اسپانیا گفته می‌شود. اسپانیا به زبان عبری سفارد می‌گویند و سفاردی یعنی اسپانیایی و جمع آن سفاردیم است. اغلب یهودیان سفاردیم در شبه جزیره ایبری و شمال آفریقا زندگی می‌کنند و اکنون نقش مهمی در توازن فرقه‌ای رژیم صهیونیستی دارند. در سال ۱۹۹۲ به مناسبت پنجمین قرن اخراج مسلمانان و یهودیان از اندلس و کشف آمریکا، پادشاه اسپانیا از یهودیان اسفاردیم عذر خواهی کرد، ولی هنوز از مسلمانان عذر خواهی نکرده است.

۱۴. با اعلام پایه‌گذاری دولت صهیونیستی در ۱۵ می ۱۹۴۸، روند مهاجرت یهودیان مراکشی تشدید شد. در همین سال، ۷۷ هزار یهودی مراکشی به فلسطین اشغالی مهاجرت کردند. بر اساس آمار آژانس بین المللی صهیونیستی، جمعیت یهودیان مراکش مهاجر از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۳، بالغ بر ۳۴۷،۲۱۰ بوده است.

مصطفی الخلفی، «دورالصهیونیه و الافتراق الیهودی العربی المغربی». ستیفن هیوز، نویسنده کتاب «مراکش در دوران حسن دوم»، می‌نویسد: صهیونیست‌های آمریکا به مهاجرت یهودیان مراکش کمک فراوانی کردند.

۱۵. مختار محمد کعبار، «یهود لیبیا ... و ماهی مطالبهم»، سایت المناره مورخ ۱۴ می ۲۰۰۷.

۱۶. تاریخ الیهود فی لیبیا، سایت و یکیبیدا.

۱۷. مجله "MARIA"، مجله چهارم شماره دوم مورخ ژوئن ۲۰۰۰.

۱۸. دوستی پهلوی دوم با بورقیبه، بیشتر ناشی از اختلاف رئیس جمهور تونس با بورقیبه و دیدگاه‌های او نسبت به قضایای خاورمیانه بوده است.

۱۹. این طرح را بورقیبه در سال ۱۹۵۵ در قبال اندیشه امت عرب (اساس اندیشه حزب بعث عربی و اندیشه ناصر است) ارایه داد.

۲۰. رشید خشانه، «التطبیع اللیبی - الاسرائیلی و قود التقارب مع واشنتن».

۲۱. قضیه بردگان موریتانی و رفتار تبعیض و رفتار تبعیض‌آمیز با سیاهان آن کشور، از جمله موضوعات حقوق بشری نواکشوت می‌باشد.

۲۲. روزنامه النهار چاپ بیروت مورخ ۱۳/۱۲/۲۰۰۱، فاش کرد که بنا بر توصیه موساد برخی از افسران موریتانی برکنار شدند تا تهدیدی برای رژیم ولدطایع نباشند.

۲۳. همان، شماره ۱۲ مارس ۲۰۰۱.

۲۴. الاحداث چاپ مراکش شماره ۱/۲۶/۱۹۹۹

۲۵. قابل توجه است وزیر خارجه موریتانی سخنان خود را به همین مناسبت با بسم‌الله الرحمن الرحیم و صلوات بر محمد و آل محمد آغاز می‌کند.

## منابع:

### ۱. کتاب

۱. المدینى توفیق، «اتحاد المغرب العربى بين الاحیاء و التأجیل»، دمشق، منشورات اتحاد الكتاب العرب، چاپ اول ۲۰۰۶.
۲. التیمومى الهادى، «النشاط الصهيونى بتونس بين ۱۸۹۷ و ۱۹۴۸»، تقديم محمود درويش، چاپ اول ۱۹۸۲.
۳. أينتجر صموئيل، «اليهود فى البلدان الاسلاميه (۱۸۵۰-۱۹۵۰)»، ترجمه: دكتور جمال احمد الرفاعى، كويت، عالم المعرفة رقم ۱۹۷، ايار ۱۹۵۵.
۴. مصطفى عبدالله بعيو، «المشروع الصهيونى لتوطین اليهود فى ليبيا»، تونس، الدار العربيه الكتاب ۱۹۷۵.

### ۲. مقالات

۱. رشيد خشانه - «التطبيع التونسي الإسرائيلي يعود الى الخمسينيات» - روزنامه الحياه، چاپ لندن، مورخ ۶ اکتبر ۲۰۰۵.
۲. رشيد خانه - «التطبيع الليبى - الإسرائيلي وقود التقارب مع واشنطن»، - سايت سويس انفو.
۳. گزارش شبکه CNN، با عنوان: «هل يشهد ۲۰۰۵ تطبيعاً بين تونس وتل ابیب؟»، مورخ ۲۷ مارس ۲۰۰۵.
۴. الجورش صلاح الدينى ، تطبيع اسرائیلی مغاربی بسرعات متفاوتة.
۵. عبدالسلام رزاق، «إملاء ات أسرائیلیة»، تخطات مغربيه سايت اسلام اون لاين.



٦. احمد بداح، «القضية الفلسطينية حاضرة على الدوام فى وجدان المغاربه».
٧. توفيق المدينى، «المغرب العربى و التطبيع»، مجله شئون الاوسط، مورخ ايلول ١٩٩٦.
٨. وليد نور، «موريتانيا مجدداً، بوابة العرب»، مورخ ٤ اوت ٢٠٠٥.
٩. على عبدالعال، «الاسلاميون و تغيير النظام فى موريتانيا»، سايت اسلام اون لاين ١٩ اوت ٢٠٠٥.
١٠. امين محمد، «بلاد شنقيط تستقبل شالوم» الخفيات والدواعى.
١١. يحيى ابوزكريا، «لماذا اختارت موريتانيا التطبيع؟».
١٢. سيد المختار ولدا احمد، «موريتانيا ..... اختراق صهيونى لأحفاد المرابطين».
١٣. محمد بن المختار الشنقيطى، «فى ضوء لقاء معاوية مع بيريز، موريتانيا و اسرائيل .... ماذا اراء الربوه؟».
١٤. فؤاد وليد، «التطبيع مع دوله إسرائيل حلقة أساسية فى المخططات الامبريالية با لمنطقه»، نشره المناضلة شماره ششم، مورخ اوريل ٢٠٠٥.
١٥. سيد احمد ولد باب «اسرائيل .... قضيه الانتخابية موريتانيا»، اسلام اول دين.
١٦. مصطفى الخلفى، «يهود المغرب و اتعايش اليهودى العربى»، شبكه الجزيره.
١٧. همان، «دور الصهيونية و الافتراق اليهودى العربى المغربى» شبكه الجزيره.
١٨. نبيل محمود السهلى، «الطائفة اليهودية فى البلاد العربية»، سايت منبر دنيا الوطن.
١٩. مختار محمد كعبار، «يهود البيا ..... و ما هى مطالبتهم؟» سايت المناره ، مورخ ١٤ مى ٢٠٠٧.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی